



ثریا

ترانه‌سرا: علی فردوسی

ما مردای دبستانیم...؛
امیدایی که در سر داشت.
پریدن یادمون داده
همون که ما رو باور داشت

امید من به شما دبستانی‌هاست



معلم‌های ما دیروز
به جرم علم، جون دادند
برای درس امروز
به ما سرمشق خون دادن
روایت میگه دانش تو ثریا هم اگه باشه
بهش می‌رسه ایرونی، فقط کافیه که پاشه



یه نسل از بس که «همت» داشت، واسه خاکش نفس می‌ده
 حالا نسلی که ما هستیم چه‌جوری درس پس می‌ده؟
 باید که بند پوتینت برای کار (جنگ) محکم شه
 باید هر جایی که هستی، واست خط مقدم شه
 میون هجمه دشمن، نداریم روز تعطیلی
 لباس رزم می‌پوشیم تو این تحریم تحمیلی
 مبدا پشت یک ملت میون جنگ خالی شه
 مبدا خنجر دشمن تو دستای خودی باشه
 میشن بازیچه اون‌ها که خداشون میشه دنیاشون
 مبدا نرخ بعضی‌ها بشه هم‌قد جیباشون!



دبستانی اون روزا، حالا تو فکر تحریمه
 نبرد با کدخدایی که طلبکار یه تعظیمه
 هنوزم خاکریز این جاست، هنوزم جبهه جنگه
 فقط یه «یا علی» می‌خواد، کجای کار می‌لنگه؟!
 خزون هیچ تحریمی جلودار بهارش نیست
 همه می‌دونن ابرونی، کم آوردن تو کارش نیست